

## مشخصات رباعیاتِ امام خمینی (ره)

غلام مجتبیٰ انصاری\*

قبل از آنکه مشخصات رباعیات حضرت امام خمینی (ره) را مورد بررسی قرار دهیم، باید دریابیم که ادبیات ایران کنونی چگونه است؟ از مقدمات «ادبیات اسلامی ایران»<sup>۱</sup> پیدا می‌شود که ادبیات ایران کنونی صدای دلسوخته عاشق است. مخصوصاً شعر کنونی ایران مبنی بر حرص و هوا نیست، بلکه شعر ایثار و شهادت است. بنابراین همراه با مؤفقیّت بیشتر است و از همینجاست که در تاریخ ادبیات ایران یک دوره جدید شروع می‌شود که از آن به نام «دوره انقلاب اسلامی» تعبیر می‌کنیم.

ایران امروز ایران انقلابی است؛ ایران اسلامی است؛ ایران راهبر جذبات دینی است و ایران جنون ایثار و شهادت است. پس ادبیات فارسی امروزه هم ترجمان نهضت انقلابی و اسلامی است، به علت آنکه عقاید دینی و جوش انقلابی بر دل و دماغ ایرانیان مستولی، و نحوه فکر آنها منقلب گردیده است.<sup>۲</sup>

اوضاع هیجانی یک کشور یا ملت را می‌توان از صدای بازگشت و شعار آنها دریافت نمود. شور و شعور و شعر و شعار مردم از شعار دادن ایشان و ناله و فریاد همانان به خوبی منعکس می‌گردد. از زبان عموم مردم ایران امروز نعره‌های اینجوری

---

\* رئیس بخش فارسی دانشگاه بی.آر. امبیدکر، مظفرپور، بهار.

۱. ادبیات انقلاب اسلامی ایران، تألیف کارشناسان دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مترجم: دکتر محمود عالم، ناشر: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو.  
۲. همان.

می‌توان شنید که از روی تأثیر و جذابیت، هرگز کمتر از اعجاز شاعری نیست؛ مثلاً، «رهبر ما خمینی (ره) است»، «نهضت ما حسینی است»، «حزب فقط حزب الله»، «رهبر فقط روح الله»، «از جان خود گذشتیم»، «با خون خود نوشتیم» و علی‌هذا القیاس. مزید بر آن، این کلمات مربوط به شأن خمینی (ره) بدون اشتباه شهباره انقلاب اسلامی است؛ مثلاً، «او فرستاده صاحبزمان است»، «رهبر آزادگان است»، «انقلابی‌ترین مرد جهان است»<sup>۱</sup>. امروز شاعر انقلاب اگر هم از کسی ستایش کند، از پیشوای بزرگ مرد قرن حاضر حضرت امام خمینی (ره) حرف می‌زند، زیرا امام یک شخص نیست، بلکه عصاره یک ملت است. پیامبر گونه‌ای است که مردم را از غرق شدن در گندابه رژیم شاهی نجات داد. به ایرانیان آبرو و اعتماد بخشید. در مجموع شعر انقلاب زبان حال مردم است و هم امام ملت و هم تجسم عملی و عینی خواست و اراده ملت بود.<sup>۲</sup>

بررسی دیباچه دیوان امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که او منظورش شعر و شاعری نبوده، بلکه شعر نیز جلوه‌ای از جلوه‌های روح بلند و متعالی او بود. شعر او نجوای عاشقانه، روح هیجان‌زده و بی‌تابی است که در خلوت تنهایی با بکارگیری کلمات، راز دل دردمند خویش را با محبوب بازگفته و با معبود به راز و نیاز پرداخته است... شعر امام، محصول حالت استغراق و مولود فنای در سبحات و جمال حضرت حق است و نتیجه شهود لقای دلدار است.<sup>۳</sup>

- 
۱. ادبیات انقلاب اسلامی ایران، تألیف کارشناسان دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مترجم: دکتر محمود عالم، ناشر: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو.
  ۲. اکبری، [دکتر] منوچهر: نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ناشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ۱۳۷۱ ه.ش، بخش اول، شعر، جلد اول، ص ۱۸.
  ۳. امام خمینی، روح الله: دیباچه دیوان امام، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ص ۲۰.

واژه‌هایی که در آثار حضرت امام آمده، همانان است که عارفان شاعر و شاعران عارف در اشعار خود به کار برده‌اند. به قول صاحب دیباجه دیوان خمینی (ره):

”شعر امام سخن مرجعی است که هرگز رضا نمی‌دهد سرمویی از مرز آیین و حدود تخطی شود و کوچکترین حکمی از شریعت معطل ماند. پس نباید سخن او را با سخنان مسندنشینان و داعیه‌داران عرفان و معرفت قیاس کرد که چنین مقایسه‌ای سخت اشتباه است“<sup>۱</sup>.

محققان زبان و ادبیات سبک شعر را بر چهار نوع تقسیم کرده‌اند: سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک هندی، و سبک بازگشت. با همین معیارها بعد از بررسی شعر موصوف می‌توان گفت که شعر امام از نظر شیوه، دارای سبک عراقی است. به هر حال اینجا منظورم از بررسی مشخصات رباعیات حضرت امام خمینی (ره) است که اساساً مشتمل بر مشاهدات و معتقدات موصوف است. بانو فاطمه طباطبایی درین زمینه یک مشاهده خصوصی بیان کرده است که ضمیمه دیباجه دیوان مذکور است، می‌گوید:

”زمانیکه به اقتضای رشته تحصیلی یکی از متون فلسفی را می‌خواندم، بعضی عبارات دشوار و مهم کتاب را در مواقع مناسب با حضرت امام (قدس سره) در میان می‌گذاشتم. این پرسش و پاسخ به جلسه بیست دقیقه‌ای تبدیل شد تا یک روز صبح که برای شروع درس خدمت ایشان رسیدم، دریافتم که ایشان با یک رباعی به طنز هشدارم دادند“.

فاطمی که فنون فلسفه می‌خواند از فلسفه فا و لام و س می‌خواند  
امید من آنست که با نور خدا خود را ز حجاب فلسفه برهاند  
پس از دریافت این رباعی، اصرار مجدانه من آغاز شد و درخواست ابیات دیگری کردم و چند روز بعد:

۱. امام خمینی، روح الله: دیباجه دیوان امام، ص ۲۵.

فاطی به سوی دوست سفر باید کرد از خویشتن خویش سفر باید کرد  
هر معرفتی که وی به هستی تو داد دیویست به ره از آن حذر باید کرد  
تقاضای مدام من کم کمک مؤثر می‌نمود؛ چرا که چندی بعد چنین سرودند:  
فاطی تو و حق معرفت یعنی چه دریافت ذات بی‌صفت یعنی چه  
ناخوانده الف به یا نخواهی ره یافت ناکرده سلوک موهبت یعنی چه

این پندآموزی و روشنفکری امام را که در غالب رباعیها و در نهایت ایجاز آمده بود، به جان نیوشیدم و آویزه گوش کردم و سرمست از حلاوت آن شدم. ناگاه دریافتم که نظیر چنین پیام‌هایی در باب معرفت دریغ است ناگفته بماند و نهفته گردد. لذا با سماجت بسیار از ایشان خواستم که سررشته کلام و سرودن پیام را رها نکنند. اعتراف می‌کنم که لطف بی‌کران عزیز چنان بود که جرأت اصرارم می‌داد. هر دم بر خواهش می‌افزود تا آنجا که درخواست سرودن غزل کردم و ایشان عتاب کردند که مگر من شاعرم؟ ولی من همچنان به مراد خود اصرار می‌ورزیدم و پس از چند روز شنیدم:

تا دوست بود تو را گزندی نبود تا اوست غبار چون و چندی نبود  
بگذار هر آنچه هست و او را بگزین نیکوتر از این دو حرف پندی نبود<sup>۱</sup>

\*

عاشق نشدی اگر که نامی داری دیوانه نه‌ای اگر پیامی داری  
مستی نچشیده‌ای اگر هوش تراست ما را بنواز تا که جامی داری<sup>۲</sup>

در این مرحله بود که دیگر هیچ درنگی را روا نداشتیم. نخست مجموعه رباعی‌ها را به همسرم دادم که او نیز با شوق وافر مرا به پی‌گیری امر واداشت. سپس دفتری خدمت امام بُردم و از ایشان تقاضا کردم به تناسب حال سُروده‌های نصایح و اشارات عارفانه خود را در آن دفتر مرقوم دارند... و چنین

۱. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۲۱۳.

۲. همان، ص ۲۴۲.

بود که آن کریم درخواست مرا اجابت کرد و از خوان معرفت و کرامت خویش توشه‌ای نصیبم فرمود.<sup>۱</sup>

تا اینجاست ماجرای حقیقی که از زبان همسر پسر امام موصوف، بانو فاطمه طباطبایی مربوط به رباعیات منجانب حضرت خمینی (ره) مندرج شد. در این هیچ شک نیست که اقتباسات مذکور معتبرترین و ارزشمندترین منابع راجع به اوضاع، گفتن رباعی از امام موصوف است، زیرا خود به زبان و خامه همسر پسر امام به بیان رفته است. از این اقتباس روشن می‌شود که رباعیات امام موصوف حامل ارزش‌های پند و معرفت با حلاوت و شیرین است. پندآموزی و روشنگری امام تقریباً در تمامی رباعیات او اظهر من الشمس است. نخستین رباعی که در صفحه هفتم دیوان مرقوم است، نشانگر این است که امام موصوف در فراق محبوب حقیقی دلش خیلی بی‌قرار بود و در یادش ناله و فریاد می‌کشید. حتی آماده بود که هر چه زودتر با محبوب حقیقی پیوسته، دیدار ابدی حاصل کند.

از غم دوست در این میکده فریاد کشم      دادرسی نیست که در هجر زُخس داد کشم  
سالها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آید      انتظار فرج از نیمه خرداد کشم<sup>۲</sup>  
امام عالی‌مقام معتقد است که وسعت و پهناوری ذات خداوندی از فهم و ادراک انسانی بالاتر است و هرگز محدود و محصور زمان و مکان نیست. باز هم با وجود این وسعت و پهناوری بی‌پایان در دل عاشق جایگزین می‌شود؛ به شرطی که عاشق از ته دل از وی یاد کند. این حقیقت را الله تبارک و تعالی خودش در قرآن مجید فرموده که جزو ایمان است، یعنی نحن اقرب الیه من حبل الوريد<sup>۳</sup> - به زبان امام این رباعی ترجمان اسرار فوق است:

۱. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، مقدمه، ص ۵-۳۴.

۲. همان، ص ۷ (پیش از دیباچه).

۳. ق (۵۰)، آیه ۱۶.

آن را که زمین و آسمانش جا نیست بر عرش برین و کرسیش ماوی نیست  
 اندر دل عاشقش بگنجد ای دوست ایمانست این و غیر این معنا نیست<sup>۱</sup>  
 مخفی نماند که بهترین دوست انسان خود خداست و دیگر هیچ. در زمین و آسمان  
 بجز او کسی دوست حقیقی نیست؛ چنانکه در قرآن مجید، در اواخر پاره نهم آمده:  
 فاعلموا ان الله موليكم<sup>۲</sup> نعم المولى و نعم النصير<sup>۳</sup> و جای دیگر در اواخر پاره هفدهم:  
 واعتصموا بالله<sup>۴</sup> هو موليكم<sup>۵</sup> فنعمة المولى و نعم النصير<sup>۶</sup>؛ علاوه بر آن در پاره هجدهم:  
 الله نور السموات و الارض؛ چندی بعد، یهدی الله لنوره من یشاء<sup>۷</sup>. رباعی زیر از امام  
 موصوف آینه‌دار همین حقایق است:

غیر از در دوست در جهان کی یابی جز او به زمین و آسمان کی یابی  
 او نور زمین و آسمانها باشد قرآن گوید چنان نشان کی یابی<sup>۸</sup>  
 ولی دوستی خدای متعال مقتضی است که انسان نخست از علایق جهان دلش را  
 برکند و غیر او را دوست ندارد. تنها خدا را دوست بدارد که جمال مطلق، اوست.  
 چنانکه قرآن بیانگر است: یا ایها الذین آمنوا لا تُهلکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکر الله<sup>۹</sup>  
 و من ینعل ذلک فاولئک هم الخاسرون<sup>۱۰</sup>. امام موصوف اندر این معنی موعظت می‌فرماید:  
 فاطی! ز علایق جهان دل برکن از دوست شدن به این و آن دل برکن  
 یک دوست که آن جمال مطلق باشد بگزین تو و از کون و مکان دل برکن<sup>۱۱</sup>

- 
۱. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۱۹۹.
  ۲. انفال (۸)، آیه ۴۰.
  ۳. حج (۲۲)، آیه ۷۸.
  ۴. نور (۲۴)، آیه ۳۵.
  ۵. همان.
  ۶. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۲۴۱.
  ۷. منافقون (۶۳)، آیه ۹.
  ۸. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۲۳۲.

امیر خسرو در یکی از غزلیات خود می‌گوید که دردمند عشق را هیچ علاجی بجز دیدار جمال مطلق نیست. کسی از طبیبان جهان نمی‌تواند دردمند عشق را راحتی رساند؛ زیرا اصالتِ دردمندی عشق را هرگز مشخص نمی‌توان کرد. پس با جدیت طبیب را از سربالین خود دور می‌کند و می‌گوید:

از سربالین من برخیزای نادان طبیب دردمند عشق را دارو بجز دیدار نیست  
امام هم به زبان پیام معرفت، مطلب فوق را مستقیماً خطاب به جمال مطلق می‌گوید:

ای روی تو شمع محفل بیماران وی یاد تو مرهم دل بیماران  
بر بستر مرگ ما طبیبانه بیا ای دید تو حل مشکل بیماران<sup>۱</sup>  
راه انبیا را مسلوک داشتن آسان نیست. برای آن باید شیطان درون خود را دورکرد  
و از هستی خویش و دیوی خودی خود جدا شد. این مطلب را امام در این رباعی  
به طور احسن بیان می‌نماید:

از هستی خویشتن رها باید شد  
از دیو خودی خود جدا باید شد  
آنکس که به شیطان درون سرگرمست  
کی راهی راه انبیا باید شد<sup>۲</sup>

در قرآن مجید آمده: يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>۳</sup>، یعنی هر چه در زمین و آسمان موجود است، سرگرم تسبیح و تقدیس و تعریف و تمجید ایزد متعال است. هر ذره کاینات نماینده جلوه حق است. معرفت خداوندی و صنایع بی‌همتای همانان از برگ درختان سبز پدیدار است، چنانکه سعدی گوید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقی دفترست معرفتِ کردگار

۱. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۲۰۸.

۳. حشر (۵۹)، آیه ۲۴.

هم همینطور امام عالی مقام می‌گوید که ذرات جهان بیانگر ثنای جهان آفرین است. آنها اصلاً تسبیح و تقدیس می‌کنند و جمال مطلق می‌جویند، ما که دلمان کور است از خاموشی آنها هیچ نمی‌فهمیم، حال آنکه آنها به زبان خاموشی ذکر حق می‌کنند و در راه او می‌پویند:

ذرات جهان ثنای حق می‌گویند      تسبیح کنان لقای او می‌جویند

ماکور دلان خامششان پنداریم      با ذکر فصیح راه او می‌پویند<sup>۱</sup>

باید بدانیم که امام باصفا، همه عمر در ریاضت و مجاهده بسر برد. از ستمرانی بی‌اندازه که شهنشاه ایران در برابر ایرانیان گسترده بود، خیلی تنگدل بود. لذا به هر طور شده می‌خواست که ایرانیان مظلوم را از استبداد بی‌پایان شهنشاه خاین نجات دهد، ولی چاره آن کاری دشوار بود. پس این مجاهد اعظم فقط بر قدرت خداوندی تکیه کرده منشور الله اکبر پیش گرفت و پرچم رسالت را با اعتماد کالی بلند کرده رژیم کهن شاهنشاهی را ورافگند و حوضه وسیع منطقه اسلامی را که صدها میلیون مسلمان را دربرگرفته بود به راه مستقیم کشاند و جهان سوئی به نام «جهان اسلامی» بیافرید. برخی از رباعیاتش درباره شاه و جور و اذیت‌رسانی او به وضوح اشاره می‌کند، چنانکه در یک رباعی می‌گوید که از جور رضاشاه کجا فریادکنم و درباره آن دیو خصال به چه کسی دادخواهی کنم. هنگامی که نفس گرم و تازه داشتم، راه ناله‌ام را بست و اکنون هیچ نفسی ندارم، چه جوری فریاد کنم؟

از جور رضا شاه کجا داد کنم      زین دیو بر که ناله بنیاد کنم

آن دم که نفس بود ره ناله به بست      اکنون نفسی نیست که فریاد کنم

امام عصر آزادگان یقین کامل داشت که ایران از بدترین غلامی شهنشاه و مستبدان جهان آزاد، و نظام جمهوری اسلامی در آن کشور حتماً بنا انداز خواهد شد. دشمن از

۱. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۲۱۱.



حیات خود عنقریب ناامید می‌شود و هنگامی که جهان از ستمگری خالی می‌شود، آن هنگام برای تمامی ستم‌کشان عید سعید می‌شود. بنابراین می‌گوید:

جمهوری اسلامی ما جاوید است دشمن ز حیات خویشتن نومید است  
 آن روز که عالم ز ستمگر خالیست ما را و همه ستمکشان را عید است<sup>۱</sup>  
 این رباعی بدون اشتباه بیانگر یقین محکم، و محبت فاتح عالم است که امام  
 موصوف جزو لاینفک ذات گرامی خود قرار داده بود و عاقبت همان طوری شد که وی  
 می‌خواست، یعنی جمهوری اسلامی در ایران نفوذ یافت و جشن عید سعید برای  
 ستمدیدگان برگزار شد.

امام زمان در یک رباعی مربوط به ستمرانی شهنشاه صراحتاً اشاره کرده است که  
 خیلی فصیح و بلیغ و حامل پیشگویی سرانجام شهنشاه است؛ زیرا بعد از پیروزی  
 انقلاب اسلامی شاه واقعاً گرفتار مذلت فراوان شد؛ حتی با نهایت بی‌کسی و بیچارگی  
 از کشور خارج گردید.

فولاد دلی که آن نرمش نکند یا ناله دل سوخته گرمش نکند  
 طوقی ز جفا فکنده بر گردن خویش آزارِ دلم دچار شرمش نکند<sup>۲</sup>  
 امام وقت را با جمهوری اسلامی و پرچم همانان محبت فراوان و جان‌نثاری  
 بی‌پایان بود. می‌گوید که چون این پرچم جمهوری اسلامی حامل اسم اعظم الله است  
 یقین است که جاویدان است و برای دشمن پیام شکست مدام. پس از پیروزی انقلاب  
 در همه نقاط ایران عید سعید برگزار شد که نشانگر نجات ایران از دست تطاول  
 ستمکاران بود، امام گفت:

این عید سعید عید حزب الله است

دشمن ز شکست خویشتن آگاه است

۱. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۱۹۳.

۲. همان، ص ۲۱۰.

چون پرچم جمهوری اسلامی ما

جاوید به اسم اعظم الله است<sup>۱</sup>

\*

این عید سعید عید اسعد باشد ملت به پناه لطف احمد باشد

بر پرچم جمهوری اسلامی ما تمثال مبارک محمد باشد<sup>۲</sup>

ما همه می‌دانیم که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صدام عراق بر ایران هجوم برد و غارتگری آغاز کرد. طبیعی است که امام موصوف از این فتنه صدام خیلی منفعل شد، ولی عزم و حوصله را هرگز از دست نداد و هشت سال با جوانمردی و استقلال با این جنگ تحمیلی مقابله کرد و عاقبت الامر پیروز و کامکار گردید. امام موصوف در این زمینه هم یک رباعی گفته و صدام را نکوهش کرد.

جمهوری ما نشانگر اسلام است

افکار پلید فتنه جویان خام است

ملت به ره خویش جلو می‌تازد

صدام به دست خویش در صدام است<sup>۳</sup>

فی الجمه رباعیات امام خمینی (ره)، نه تنها دارای جنبه مضبوط فنی، بلکه حامل ارزش و اهمیت معنوی فراوان هم هست. بیشتر رباعی‌اتش مشتمل بر موضوعات عرفان و حقیقت، پند و موعظت و اسلام و وحدانیت است، ولی تعداد رباعی‌ات مربوط به مطالب سیاسی و اجتماعی عصری ایران هم کم نیست. همه رباعی‌ات امام موصوف کیفیت سرمستی و حلاوت و شیرین دارد که با نهایت ایجاز و اختصار گفته شده است.

۱. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ص ۱۹۷.

۲. همان، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۱۹۵.

## منابع

۱. اکبری، [دکتر] منوچهر: نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ناشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ج ۱، بخش اول، ۱۳۷۱ ه.ش.
۲. امام خمینی، روح الله: دیوان امام، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ سوم بهار ۱۳۷۳ ه.ش.
۳. ادبیات انقلاب اسلامی ایران، تألیف کارشناسان دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مترجم: دکتر محمود عالم، ناشر: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو.

\* \* \*

